



پیشگیری در جامعه ناشنوایان^۱

(۱۳۴۵-۱۳۵۶)

ثمینه باغچه‌بان

..... اشاره

جبار باغچه‌بان جامعه ناشنوایان را ساخت و نهادهای مدنی آن را ایجاد کرد و نیز فرهنگ ناشنوایی را بنیان نهاد. ایشان نمی‌توانست به پیشگیری بی‌توجه باشد، اما در آن دوره هنوز پیشگیری به عنوان یک دانش و یک موضوع علمی و پژوهشی رشد و بسط نیافته بود. در دوره باغچه‌بان «پیشگیری» نهال کوچکی است که به تدریج بزرگتر شده و رشد یافته تا امروز درخت تناوری گردیده است. تلاش کردم در آثار ایشان این نهال را پیدا کنم و چگونگی رشد آن را پیگیری نمایم. در واقع مطالب باغچه‌بان در کتاب *زندگی‌نامه خودنوشت* و کتاب *بهره ناشنوایان* خانم ثمینه باغچه‌بان را کنار هم چیدم و این مقاله را ایجاد نمودم.

اهمیت بسیار دارد. طفل چند ماهه وقتی در اندرگاه یا گاهواره توسط مربی‌های مجرب، تعلیم داده می‌شود و امور توان‌بخشی و پزشکی او هم پیگیری شود، بطوری که در ماه‌های سرنوشت‌ساز یا زمان طلایی Golden Tiem وقت‌های کودک هدر نمی‌رود و رشد چشمگیری خواهد یافت. زیرا ثابت شده بیشترین رشد ذهنی کودکان ناشنوا و آموختن مفاهیم در سه سال اول بعد از تولد است.^۱ اما به طور مشخص در سال ۱۳۴۵ کار پیشگیری ناشنوایان به صورت سازمانی آغاز شد. دو اتاق کوچک در آموزشگاه کر و لال‌های باغچه‌بان در تهران به احداث کلینیک تشخیص پیشگیری و مداوا اختصاص یافت. این کلینیک به دستور باغچه‌بان تأسیس شد. با اینکه فضا کوچک بود ولی نتیجه‌دهی آن مطلوب بود. مردم کودکان چند ماهه تا چند ساله را برای تشخیص می‌آوردند و پزشکان حاذق و دستیارانشان با بررسی و آزمایشات پس از یافتن مشکل و حد و حدود آن به مداوا می‌پرداختند و دستورات لازم را می‌دادند.

موفقیت این پروژه باعث شد که دولت وقت به فکر گسترش و تجهیز کلینیک مزبور بیفتد. از این‌رو یک زمین پانصد متری کنار آموزشگاه باغچه‌بان به امور آموزشی و نیز کلینیکی اختصاص یافت. وزارت آموزش و پرورش در احداث ساختمان‌ها همکاری کرد و با کمک بانک‌های آن دوره و مساعدت افراد خیر، یک کلینیک کوچک اما مجهز راه‌اندازی شد. این کلینیک شامل اتاق پذیرش، اتاق معاینه، اتاق آزمایش مقدماتی، اتاق ادیومتری، اتاق اصلاح تلفظ و اتاق سمعک و تعمیر آن بود.

اما کودکانی که نیاز به جراحی داشتند به مراکز مربوطه معرفی می‌شدند و هزینه‌های مربوط توسط جمعیت حمایت کر و لال‌ها پرداخت می‌شد. البته

جبار باغچه‌بان (۱۳۴۵-۱۳۶۴ش) تحصیلات آکادمیک نداشت، اما هوش تجربی او فوق‌العاده بود. یعنی با تجربه‌های مکرر، به دستاوردهایی رسیده و کشف‌هایی دارد که بعداً کارشناسان این یافته‌ها و مکشوفات را در شمار مهم‌ترین روش‌ها و نظریه‌های علمی جهان دانستند. فعلاً نمی‌خواهیم به روش باغچه‌بان و کشفیات او بپردازیم اما به اقتضای بحث پیشگیری لازم است تجربه و یافته باغچه‌بان در این موضوع را هم بیان کنیم. باغچه‌بان به تجربه متوجه شده بود، کودکان ناشنوا وقتی برای ثبت نام مدرسه مراجعه می‌کنند، بسیار دیر است و لازم است زودتر تعلیم و تربیت آنها به روش صحیح آغاز گردد. این تجربه را حدود پانزده سالی که مشغول بود یعنی تا سال ۱۳۱۲ به دست آورده بود. وقتی در این سال به تهران کوچ کرد، اولین طرحش تأسیس گاهواره یا شیرخوارگاه یا کودکانستان بود. او در زندگی‌نامه خود نوشت می‌نویسد:

در سال ۱۳۱۲ که از شیراز به تهران آمدم حتی خرجی یک ماهم را نداشتم. در ابتدا در فکر بودم یک کودکانستان شبانه‌روزی تأسیس کنم ولی برخلاف انتظار موفق نشدم.^۲

خانم ثمینه باغچه‌بان دخترش در این باره می‌نویسد:

پدرم وقتی به تهران آمد درصدد تأسیس گاهواره یا شیرخوارگاه برای نوزادان بود ولی موفق نشد.^۳ زیرا باغچه‌بان یافته بود، تشخیص هرچه زودتر ناشنوایی و آغاز هرچه زودتر آموزش زبان و گفتارخوانی در آموزش و پرورش ناشنوایان

۱. این مقاله از کتاب *بهره ناشنوایان* نوشته ثمینه باغچه‌بان اخذ شده است. البته توسط آقای محمد نوری ویرایش علمی شده و جاهایی از آن بسط یافته است.

۲. *زندگی‌نامه به قلم خودش*، ص ۱۳۸.

۳. *بهره ناشنوایان*، ص ۳۵.

۱. همان، ص ۹۶.

فقط برای افراد مستمند و بی‌بضاعت. جمعیت حمایت کر و لال‌ها و نابینایان در گسترش ایده و تفکر پیشگیری و توسعه عملی آن بسیار مؤثر بود. این جمعیت در سال ۱۳۲۳ توسط باغچه‌بان تأسیس شده بود.^۱

بعد از آن مراکز پیشگیری در شهرهای مختلف راه‌اندازی شد و این ضرورت به یک دغدغه ملی تبدیل شد.

توان‌بخشی و پیشگیری^۲

امکان‌های فکری و جسمی ناشنوایان به گونه‌ای است که با تشخیص به موقع و کاربرد روش صحیح آموزش و اجرای برنامه‌های توان‌بخشی حرفه‌ای می‌توان ناشنوایان را افرادی مسئول و مستقل و مفید به حال خود و جامعه بار آورد. از این‌رو سرمایه‌گذاری در برنامه‌های پیشگیری و رفاهی و توان‌بخشی ناشنوایان نه تنها از نظر انسانی پسندیده است بلکه، با توجه به حاصل آن که تبدیل نیرویی مصرف‌کننده (سه در هزار جمعیت) به یک نیروی مولد است نیز به خوبی قابل توجیه است.

تا سال ۱۳۵۰ چند سازمان بودند که هر کدام به سهم خود می‌کوشیدند تا در تأمین یا فراهم ساختن امکان‌های ورزشی و توسعه فرهنگ ناشنوایان قدم‌هایی بردارند، ولی در واقع سازمان مسئولی وجود نداشت که موظف به تأمین رفاه ناشنوایان و برنامه‌ریزی بنیادی در سطح مملکت برای پیشگیری باشد. البته این مشکل خاص گروه ناشنوایان نبود بلکه معلولان جسمی و حسی دیگر نیز وضع و نیازی مشابه داشتند. از این‌رو موازی با دگرگونی‌های اجتماعی که در کشور صورت می‌گرفت توان‌بخشی و تأمین رفاه گروه‌های خاص نیز مورد توجه قرار گرفت و سازمان‌های دولتی و نیمه دولتی با برنامه‌هایی ویژه و مسؤولیت‌هایی خاص ایجاد گردید. چنانکه در سال ۱۳۴۷ انجمن توان‌بخشی برای تأمین رفاه گروه معلولان جسمی تأسیس گردید و با برنامه‌ای وسیع و سنجیده در سطح مملکت شروع به کار کرد و توسعه بسیار یافت. پس از آن در بهمن‌ماه سال ۱۳۴۹ سازمان ملی رفاه نابینایان ایجاد شد و با در نظر گرفتن نیازمندی‌های بسیار این گروه از معلولان جسمی و دشواری‌های ویژه آنان کار خود را آغاز کرد. این دو سازمان و سازمان‌های مشابه در مقابل خود مسؤولیت‌های بسیار و دشواری‌های فراوانی داشتند ولی اولویت نیازمندی‌های برایشان اهمیت داشت. هرچند که برنامه‌های این گونه سازمان‌ها مورد تأیید و تصویب و حمایت مادی دولت بوده است ولی با

توجه به تازگی کار و مخصوصاً کمبود متخصص فن مسئولان امر با دشواری‌های بسیار روبه‌رو بوده‌اند و از این‌رو موفقیت آنان با توجه به مدت زمان تأسیس سازمان‌های مربوط قابل توجه است.

با توجه به لزوم فراهم ساختن اساس توان‌بخشی ناشنوایان در شهریورماه سال ۱۳۵۰، به ریاست فرح پهلوی، سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران ایجاد شد و مسئله ناشنوایی و تأمین رفاه و توان‌بخشی ناشنوایان رسماً جزء برنامه‌های دولت قرار گرفت. به این ترتیب ناشنوایان که در پنجاه سال قبل گروهی ناشناخته و محروم از کلیه حقوق و مزایای هموطنان شنوای خود بودند زندگی نوی یافتند.

یکی از اهداف سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران تلاش برای اصلاح جامعه و پیشگیری از ناشنوایی است. خدمت‌هایی که این سازمان در این زمینه عرضه کرده، موجب تحولاتی در زندگی ناشنوایان ایران شده است.

معرفی سازمان ملی رفاه

سازمان ملی رفاه ناشنوایان در شهریورماه سال ۱۳۵۰ وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی تأسیس یافت و به سال ۱۳۵۳ پس از تأسیس وزارت رفاه اجتماعی وابسته به وزارت‌خانه اخیر شد.

طبق اساس نامه، هدف این سازمان عبارت است از ایجاد هماهنگی و اشتراک مساعی بین مؤسسه‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی و خیریه در برنامه‌های پیشگیری، درمانی، آموزش درمانی، اشتغال و رفاه اجتماعی ناشنوایان و نیمه ناشنوایان و کسانی که دشواری گویایی دارند. دیگر از هدف‌های این سازمان بالا بردن شخصیت افراد ناشنوا و سازگاری آنان در اجتماع شنوایان و استفاده از روش‌های جدید در انواع خدمات مربوط به این گروه است. برای تحقق بخشیدن به این هدف‌های گسترده سازمان ناچار بود که با توجه به نیازمندی‌ها و با در نظر گرفتن امکان‌های مالی و نیروی انسانی اولویت‌هایی برای برنامه‌ها قائل شود و با روش‌هایی متناسب و عملی دست به اقدام بزند. با توجه به اهمیت، متخصصان، سازمان برای حل مشکل کمبود متخصص اولویت خاص قائل شد و کوشید تا قبل از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ ثابت با استفاده از منابع داخلی و خارجی متخصصان خود را تا حد امکان آماده خدمت کند.

به طور کلی خط‌مشی سازمان، برداشتن قدم‌های آرام و مطمئن و برنامه‌ریزی‌های بنیادی بوده است. این سازمان کوشیده تا با برخورداری از تجربه سازمان‌های مشابه ملی که سابقه بیشتری در امور رفاهی و توان‌بخشی داشته‌اند و استفاده از همکاری‌های آنها ساده‌ترین و نزدیک‌ترین و با صرفه‌ترین راه برای تأمین رفاه ناشنوایان برگزیند.

تشخیص، پیشگیری و تجویز سمعک

با توجه به اهمیت اجرای برنامه‌های پیشگیری از

افزایش جمعیت ناشنوایان مادرزاد و کاهش شماره کسانی که در کودکی یا سن و سال بالا به علت بیماری‌ها یا آلودگی صوتی محیط کار و محیط زیست و تصادفات و غیره مبتلا به درجه‌های مختلفی از اختلال‌های شنوایی می‌شوند سازمان رفاه ناشنوایان شش ماه پس از تأسیس خدمات خود را در زمینه تشخیص و پیشگیری و درمان آغاز کرد و از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۱ با موافقت حمایت کودکان کر و لال کلیه مراجعان خود را هفته‌ای سه روز به کلینیک مجهز این جمعیت گسیل داشت. در این کلینیک خدمات زیر به مراجعان عرضه می‌شد:

- معاینه کامل حلق و گوش و بینی به منظور تشخیص علل ناشنوایی و درمان احتمالی آن.

- آزمایش مقدماتی

- آدیومتری

- تشخیص و عرضه خدمات (درمانی، آموزشی درمانی، تجویز و تهیه گوشی، ساختن قالب گوش، هدایت مددجو به مراکز مربوط).

خدمات این کلینیک به طور رایگان در اختیار کلیه مراجعان از خردسال و کهنسال تهرانی و شهرستانی قرار می‌گرفت. در اثر افزایش مراجعان رفته رفته شماره روزهایی که کلینیک مذکور در اختیار مراجعان سازمان قرار داشت افزایش یافت تا اینکه سازمان ناچار به ایجاد کلینیک دیگری در جنوب تهران شد که منظم به اندرگاه مادر نیز بود، این مرکز در تاریخ اول دی‌ماه ۱۳۵۳ شروع به کار کرد و به این ترتیب گشایشی در کار مراجعان تهرانی و شهرستانی پدید آمد.

از آغاز سال ۱۳۵۱ تا نه ماهه اول سال ۱۳۵۴ جمعاً (۴۳۳۳) نفر برای استفاده خدمات مختلف درمانی و مددکاری و بیمه به دو «کلینیک» گفته شده مراجعه کرده‌اند که برای هر یک از مراجعان یک پرونده بهداشتی تهیه شده است که در آن نتیجه معاینات کامل حلق و گوش و بینی و آزمایش مقدماتی شنوایی و «آدیومتری» و وضع خانوادگی مددجو و احتیاجات ویژه هر یک به توان‌بخشی آموزشی و درمانی ضبط شده و خدمات مورد نیاز یا مستقیماً از طرف خود سازمان در اختیارشان گذاشته شده است یا مددجویان به مرکزهای مربوط معرفی شده‌اند. بر اساس این پرونده‌ها که با دقت تهیه می‌شود سازمان موفق به تهیه آمارهای مختلف شده است، که از آنها در برنامه‌ریزی‌های گوناگون از جمله برنامه‌های پیشگیری استفاده می‌شود.

سازمان رفاه ناشنوایان نه تنها توانسته است با استفاده از امکان‌های موجود خدمات خود را در زمینه تشخیص، پیشگیری در تهران تا به سال‌های شیرخوارگی گسترش دهد بلکه موفق شده است که با استفاده از امکان‌های

۱. بهره ناشنوایان، ص ۱۱۱-۱۱۰.

۲. این مطلب تا پایان مقاله از کتاب بهره ناشنوایان ص ۱۲۰ تا ۱۴۰ اخذ و با اندک ویرایش نهایی شده است.

کلینیک مجهز جمعیت حمایت کودکان کر و لال و «کلینیک گفتار و شنوایی خود گروهی متخصص در رشته‌های «ادیومتری» و آزمایش مقدماتی و درمان گفتار و قالب‌سازی و تعمیر گوشی تربیت کند و از وجود این متخصصان برای گسترش برنامه‌های خود در نقاط مختلف تهران و شهرستان‌ها بهره‌مند شود.

از طرفی نیز سازمان رفاه ناشنوایان کلیه امکان‌های خود را در اختیار سازمان‌های مختلف دولتی و غیر دولتی که به نوعی به خاطر مددجویان خود نیازمند استفاده از امکان‌های «کلینیک» شنوایی و گفتار بوده‌اند گذاشته است. از جمله از سال گذشته که طبق تغییراتی که در برنامه کار باشگاه «لاینز» در سطح بین‌المللی داده شده است این باشگاه نسبت به تأمین رفاه ناشنوایان و پیشگیری از ناشنوایی علاقه‌مند گردیده توانسته است با همکاری متخصصان سازمان دست به برنامه بسیار سودمند «ناشنوایی» در شبانه‌روزی‌ها و پرورشگاه‌ها بزند.

بنا بر تقاضای باشگاه «لاینز» طی اجرای برنامه «ادیومتری» مقدماتی در مدت سه ماه (۵۸۷) نفر بین سن (۷) تا (۲۰) سالگی آزمایش شنوایی شده‌اند که از این عده (۶۲) نفر دچار درجه‌های مختلفی از خلل در شنوایی بوده‌اند که برای استفاده از خدمات کامل درمانی و آموزش درمانی به «کلینیک» سازمان رجوع کرده‌اند.

علاوه بر آن سازمان بنابر تقاضای مرکزهای مختلف از جمله دفتر امور کودکان استثنائی گروه متخصصان خود را برای سنجش شنوایی، تجویز سمعک، ساختن قالب گوش به شهرستان‌های مشهد، اهواز، آبادان، یزد، و اصفهان فرستاده است و در این برنامه‌ها (۲۰۲) نفر را «ادیومتری» کرده و به (۷۵) نفر که نیازمند گوشی بوده‌اند گوشی داده و برای ایشان قالب گوش شخصی ساخته است.

برای اینکه سازمان بتواند به کسانی که به علت دوری راه امکان مراجعه به «کلینیک»های مرکزی را ندارند خدمات خود را عرضه کند سه دستگاه واحد سیار شنوایی خریداری کرده است. از سال آینده سازمان با استفاده از این واحدهای سیار و همکاری متخصصان که در سال جاری در ایران و در کشور آمریکا تربیت شده‌اند کوشش خواهد کرد که در استان مرکزی و استان خراسان و استان خوزستان خدمات را در سطح روستاها در زمینه ناشنوایی و پیشگیری و تجویز سمعک گسترش دهد.

از آغاز کار با توجه به محدود بودن بودجه درمانی با توافق جمعیت حمایت کودکان کر و لال و سازمان ملی رفاه ناشنوایان، این جمعیت هزینه عمل جراحی و بیمارستانی مددجویانی را که کمتر از ده سال داشته‌اند پرداخته است و سازمان

نیز پرداخت هزینه عمل‌های جراحی و بیمارستانی مددجویان بیش از ده سال را قبول کرده است.

از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۱ تا شهریورماه ۱۳۵۳ جمعا (۹۲) نفر کودک از طرف جمعیت و (۲۴۸) نفر از طرف سازمان به منظور درمان یا پیشگیری از ناشنوایی تحت جراحی قرار گرفته‌اند.

اندرزگاه مادر

کودک ناشنوا نیز چون خواهر و برادر شنوای خود نیازمند این است که مادر با او حرف بزند و به او حرف زدن بیاموزد زیرا سن و سال شیرخوارگی از نظر زبان‌آموزی مهم‌ترین سال‌های زندگی انسان است. بر اساس این حقیقت علمی کوشش می‌شود که هرچه زودتر و هرچه بیشتر افراد خانواده مخصوصاً مادر طفل ناشنوا برای آموختن زبان و تلفظ لب‌خوانی به کودک خود و تربیت شنوایی او آماده شوند. باز به خاطر امکان آغاز هرچه زودتر این خدمات است که تشخیص ناشنوایی طفل و میزان و نوع آن اهمیت خاص می‌یابد.

خوشبختانه امروز می‌توان گفت که لاقل در شهر تهران این خدمات برای گروهی از مادران و کودکان ناشنوا وجود دارد. در اندرزگاه مادر وابسته به کلینیک شنوایی و گفتار سازمان رفاه ناشنوایان واقع در امیریه، کودکانی که از طریق بخش مددکاری معرفی شوند، با برنامه‌ای خاص در مدتی که با نظر مسئولان معین می‌شود صبح‌ها با مادر خود به اندرزگاه می‌آیند. در آنجا مادران با کسانی که درد آنان را خوب می‌دانند زیرا بعضی از این متخصصان خود کودکانی ناشنوا دارند، روبه‌رو می‌شوند. در محیط گرم و دوستانه اندرزگاه نه تنها این مادران اصول زبان‌آموزی و طرز رفتار و گفتار با کودک خود را فرا می‌گیرند و تمرین می‌کنند بلکه به مقداری بسیار از تشویق و رنج‌های روحی آنان نیز که به سبب داشتن نوزادی ناشنوا به وجود آمده است کاسته می‌شود.^۱

هر ماه یک بار شب‌ها در اندرزگاه مادر یک مهمانی کوچک برای مادران و پدران و مخصوصاً خواهران و برادران اطفال ناشنوا ترتیب داده می‌شود. در این جمع پدران و مادران این کودکان دشواری‌های خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. مددکاران اجتماعی می‌کوشند تا در حل مشکل‌هایی که این افراد دارند همکاری کنند. فیلم‌هایی که اغلب از خارج به این منظور وارد می‌شود یا فیلم‌های ایرانی که در تهران به تدریج تهیه شده است نشان داده می‌شود. در اینجا خواهران و برادران کودکان ناشنوا که می‌توانند مربی رایگان و خوبی برای کودکان خردسال ناشنوا باشند تشویق می‌شوند که با کودکان ناشنوا بازی کنند، آن‌ها را بشناسند

I. winifred H. Northcott, "Normalization of the Preschool Child With Hearing Impairment," Otolaryngologic Clinics of North America- Vol. 8, No. 1. (USA: Feb., 1975), PP. 175-176-177

و برای آنان مفید باشند. این جلسه‌ها برای حل دشواری‌های پنهانی و آشکار زوج‌های جوانی که در آغاز کار از داشتن یک فرزند ناشنوا با دشواری‌های عاطفی یا رفتاری طرف مقابل روبه‌رو می‌شوند بسیار مفید است. ضمن گفتگو درباره علل ناشنوایی پدران و مادران جوان به طور غیر مستقیم می‌بینند که آنان چندان مسئول ناشنوایی فرزندانشان نیستند و از طرف دیگر اگر با توجه به پرونده بهداشتی کودک مشاهده شود که کوری طفل ممکن است حاصل هم خونی یا موروثی بودن کوری از جانب پدر و مادر باشد با اجرای برنامه تنظیم خانواده که با همکاری سازمان رفاه خانواده اجرا می‌شود این زوج‌ها تشویق می‌شوند که صاحب فرزندان دیگری نشوند.

سازمان ضمن ارائه این خدمات نه تنها از این مادران افرادی روشن‌تر و فعال‌تر و با احساس مسئولیت قوی می‌سازد بلکه از این نیروی نهفته که بی‌حاصل مانده است در اجرای برنامه‌های توان‌بخشی کودکان ناشنوا استفاده می‌کند و از بین همین مادران که شاید تحصیلات رسمی چندانی ندارند «مددکاران اجتماعی علاقه‌مند»، «رابط ناشنوایان»، و «مربیان اندرزگاهی» خوبی پرورش می‌دهد و استخدام می‌کند.

خدمات مددکاری

در بخش مددکاری کوشش می‌شود که به نیازمندی‌های گوناگون مددجویان ناشنوا رسیدگی شود. کار کردن در این بخش به سبب بی‌زبان بودن اکثر مراجعان دشوار است. مددکاران با استفاده از وجود «رابط ناشنوایان» که در کار خود تبحر دارند با مراجعان خود تماس فکری برقرار می‌کنند و از نیازمندی و وضع زندگی آنان با خبر می‌شوند. مددکاران می‌کوشند که با جلب همکاری سازمان‌ها اداره‌های دولتی و ملی از قبیل بیمارستان‌ها، کارخانه‌ها، بیمه‌های اجتماعی، کلاتری‌ها، داده‌گاه‌ها، اداره نظام وظیفه، انجمن توان‌بخشی و سازمان‌های رفاهی دیگر مشکل ناشنوایان را رفع کنند.

این بخش با صبر و شکیبایی که شایسته نام آن است با افراد ناشنوا و خانواده‌های آنها در تماس مستقیم است و گرفتاری‌های آنها را تا مرحله حل مشکل پیگیری می‌کند. وجود رابط ناشنوایان سهم مهمی در عرضه خدمات مددکاری دارد و بی‌وجود او نمی‌توان به درستی به حل مشکل ناشنوایان پرداخت.

عموم مددکاران اجتماعی با استفاده از تخصص رابطان ناشنوایان به تدریج اصول زبان اشاره را که دانستن آن در این بخش ضروری است به طور عملی می‌آموزند.

از سال ۱۳۵۱ تا نه ماه اول سال ۱۳۵۴ جمعاً

سال ۱۳۵۴ که بیمه درمانی عمومی اعلام گردید سازمان توانست کلیه مراجعان واجد شرایط را بیمه کند. در عرض این مدت هزار و چهارصد نفر ناشنوا (۱۱۷۳ نفر از تهران و ۲۲۷ نفر از شهرستان‌ها) زیر پوشش بیمه درمانی قرار گرفته‌اند و شماره آنان تا پایان سال جاری به مرز دو هزار نفر خواهد رسید.

با استفاده از این بیمه، ناشنوایان از کلیه خدمات درمانی و آموزش درمانی، عمل‌های جراحی ضروری برخوردار می‌شوند.

گسترش سوادآموزی و ارتقای حرفه و کار

ناشنوایان و حتی انسان‌های عادی بی‌سواد و بی‌کار بیشتر در معرض انواع آسیب‌ها هستند از این‌رو سازمان رفاه ناشنوایان، مراکزی برای سوادآموزی به بزرگسالان ناشنوا اختصاص داد. نیز مراکزی برای حرفه‌آموزی ایجاد کرد.

کار و شغل خود به خود انسان را از آسیب‌مندی محفوظ نگاه می‌دارد. برعکس انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و انواع آسیب‌ها، علتش بی‌کاری و بی‌سوادی می‌تواند باشد. اینک به معرفی برخی از این مراکز می‌پردازیم.

مرکز آموزش حرفه‌ای یوسف‌آباد شماره (۱)

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان است و در ۱۳۵۲ در یوسف‌آباد تهران (خیابان مدبر، خیابان ۳۶، کاشی ۱۲) تأسیس شد.

در این مرکز دختران و پسران ناشنوی بی‌سواد و کم‌سواد که سن آنان کمتر از سیزده سال و بیشتر از سی سال نباشد پذیرفته می‌شوند. سواد و توانایی‌ها و خواست داوطلبان ابتدا در گروه ارزشیابی و راهنمایی حرفه‌ای به یاری مدیر مرکز و روان‌شناسی، مربی، رابط ناشنوایان و معلم مددکار اجتماعی سنجیده می‌شود. با در نظر گرفتن جوانب مختلف زندگی و استعدادها، فرد ناشنوا در صورتی که مددجو با سواد یا کم‌سواد باشد در یک یا دو رشته حرفه‌ای به طور آزمایشی نام‌نویسی می‌کند. پس از مدتی با توجه به پیشرفت و علاقه ناشنوا در رشته‌ای که بیش از دیگر رشته‌ها مناسب تشخیص داده شود به حرفه‌آموزی می‌پردازد و پس از یافتن تبحر کافی، برای او در بازار آزاد کاریابی می‌شود.

چنانکه ناشنوا بی‌سواد باشد ابتدا در کلاس‌های زبان‌آموزی و سوادآموزی نام‌نویسی می‌شود و هنگامی که خواندن و نوشتن و تا حدی زبان آموختن ضمن ادامه تحصیل و زبان‌آموزی در یکی از رشته‌های مناسب برای آموختن حرف ثبت نام می‌کند. مدت زمان لازم برای طی مرحله اول بستگی بسیار به استعداد و سن مددجو دارد و به طور کلی پس از دوازده ماه تحصیل مرحله اول را تمام می‌کند و در حدود دوازده ماه دیگر برای تمام کردن مرحله دوم و آموختن حرفه وقت لازم است.



از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۱ تا آخر اسفند ۱۳۵۳ (۱۱۴۰) نفر از انجمن توان‌بخشی و از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۴ تا آذرماه همان سال (۶۲۰) نفر از سازمان، سمعک دریافت داشته‌اند. باز، برای اینکه اندازه و قالب بودن قالب گوشی اهمیت خاص دارد، سازمان در دو مرکز بخش قالب‌سازی ایجاد کرده است که از این راه نه تنها نیازمندی ناشنوایان را برمی‌آورد بلکه گروهی از ناشنوایان را نیز برای خدمت در این مرکز تربیت و استخدام می‌کند.

سازمان رفاه ناشنوایان برای آشنا کردن مراجعان به طرز استفاده از سمعک و نگاهداری آن دفترچه‌های مصوری که به زبان ساده نوشته شده است چاپ کرده و به طور رایگان در اختیار نیازمندان گذاشته است که از آن جمله می‌توان جزوه «سمعک چیست» و «کودک شما و سمعک او» را نام برد.

علاوه بر آن سازمان در نشریه خود به نام «پیک شنوایی و گفتار» در این مورد و همچنین تربیت شنوایی با استفاده از سمعک به زبانی ساده مقالاتی برای استفاده مادران منتشر می‌کند.

بیمه درمانی

یکی از شیوه‌های پیشگیری گسترش بیمه است. افراد ناشنوا و دیگر معلولین از طریق بیمه هزینه‌های مربوط به درمان معلولیت و حتی هزینه‌های مربوط به پیشگیری را دریافت می‌کنند. از این‌رو بیمه‌ها ابزار و وسیله‌ای جهت گسترش پیشگیری است.

سازمان از فروردین‌ماه سال ۱۳۵۱، با همکاری جمعیت حمایت کودکان کر و لال تلاش کرده، خدمات درمانی را در اختیار همه ناشنوایان قرار دهد ولی با در نظر گرفتن امکان محدود تعمیم این خدمات به کلیه مراجعان تهرانی و شهرستانی مقدور نبود.

سازمان رفاه ناشنوایان از بهمن‌ماه سال ۱۳۵۲ با در نظر گرفتن وضع خانوادگی و مالی ناشنوایان گروهی از مراجعان را بیمه کرد ولی از دی‌ماه

(۶۰۵۸) نفر مددجو به این بخش رجوع کرده و از خدمات گوناگون بهره‌مند شده‌اند. این خدمات نه تنها با استفاده از امکان‌های سازمان رفاه ناشنوایان تأمین شده است بلکه مددکاران از خدماتی که در سازمان‌های دولتی یا غیر دولتی فراهم بوده است برای رفع نیازمندی این مددجویان استفاده کرده‌اند. سازمان با مطالعه انواع احتیاجات، با نیازمندی‌های ناشنوایان بیشتر آشنا شده و با توجه به آمار، برنامه‌های خود را تنظیم می‌کنند.

تعمیر سمعک و قالب‌سازی

اکنون در سراسر جهان درباره تجویز سمعک و دادن گوشی به ناشنوایان گفتگوی بسیار می‌شود ولی همان‌طور که عینک سواد نمی‌آورد سمعک هم شنوایی نمی‌آورد و زبان شخص کر و لال را باز نمی‌کند. به این سبب خرید گوشی و دادن آن به ناشنوا بی در نظر گرفتن کلیه جهات و آموزش لازم و تربیت شنوایی کاری عبث و به هدر دادن سرمایه است. به این سبب برای پیشگیری از اتلاف هزینه و امکان بهره‌برداری درست از سمعک، در اندرزگاه به مادران کودکان ناشنوا، در سه تا شش ماه، که در برنامه شرکت می‌کنند، راه استفاده و نگاهداری از سمعک آموخته می‌شود.

از طرفی سمعک وسیله‌ای بسیار ظریف و دقیق است که با طبع فعال کودک سازش ندارد و از این‌رو در حمل یا بر اثر بی‌توجهی نقص پیدا می‌کند. باز توجه به این مسئله اهمیت بسیار دارد اگر، به موازات دادن سمعک، مرکزهای تعمیر آن گسترش نیابد و گوشی به محض یافتن نقص فنی تعمیر نشود ناشنوایان پولی که صرف خرید آن شده هدر و حرام می‌شود بلکه کودک یا شخص ناشنوا نیز به استفاده از آن بی‌علاقگی پیدا می‌کند.

از این‌رو سازمان تا ۱۳۵۶ سه مرکز تعمیر سمعک در تهران ایجاد کرده است و به کسانی که سمعک می‌دهند می‌گویند که به مجرد مشاهده نقص فنی سمعک خود را برای تعمیر به یکی از این سه مرکز بفرستند.

کورس معرفی شده‌اند. در سال جاری نیز از طریق سازمان سی و یک نفر ناشنوا که اکثر آنان از مردم شهرستان‌ها و روستاها بودند برای آموزش کشاورزی به بخش کشاورزی انجمن توان‌بخشی معرفی شدند.

کارگاه حمایت شده ناشنوایان تهران

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان است. در سال ۱۳۵۳ افتتاح شد. در اسفندماه سال ۱۳۵۲ مسئولین دولتی به لزوم ایجاد کارگاه حمایت شده‌ای برای ناشنوایان توجه نمودند که زمین مجاور آموزشگاه مذکور خریداری شود و ساختمان مورد نیاز در آنجا احداث گردد.

این ساختمان هم اکنون در شرف اتمام است و امید است که از پائیز آینده بهره‌برداری از آن آغاز شود. این کارگاه حمایت شده شامل کارگاه‌های زیر خواهد بود.

کارگاه نساجی

کارگاه سراجی

کارگاه نجاری

کارگاه کارهای دستی

کارگاه خیاطی (مردانه، زنانه، بچگانه)

کارگاه شیرینی‌پزی

کارگاه تراشکاری - فلز کاری - جوشکاری

مرکز حرفه‌ای ناشنوایان مشهد

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان است و در ۱۳۵۳ در مشهد، خیابان رازی/۱۰ کوی دیبا شماره/۲۸ تأسیس شد.

سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران در اجرای برنامه‌های رفاهی ناشنوایان در مهرماه سال ۱۳۵۳ اقدام به تأسیس کارگاه حمایت شده ناشنوایان مشهد کرد. این مرکز در یک خانه اجاره‌ای به مساحت هفتصد متر مربع و ساختمان دو طبقه با ده اطاق و دو زیرزمین تأسیس شد. هم اکنون پنجاه و شش نفر کارآموز ناشنوا در شش کارگاه آن به حرفه‌آموزی اشتغال دارند.

پایان

مجموعه اقداماتی که در زمینه پیشگیری بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۶ یعنی طی حدود سه دهه در ایران جریان داشت گزارش شد. البته این اقدامات فقط حوزه ناشنوایان را پوشش می‌دهد. هرگونه اقدامی که در پیشگیری مؤثر است در این گزارش آمده است.

وارد حرفه‌های سنگین شوند به این مرکز معرفی می‌شوند. بدین سبب این مرکز بیشتر جنبه کارگاه حمایت شده دارد و مددجویانی که به علل مختلف نمی‌توانند به راحت جذب بازار کار شوند در آنجا مدت بیشتری به کارآموزی می‌پردازند و برای آنان چندین بار کارایی می‌شود. مصنوعات این مرکز در غرفه ناشنوایان واقع در فروشگاه سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا به فروش می‌رسد و با استقبال مردم روبه‌رو می‌شود.

بین این مرکز و مرکز آموزش حرفه‌ای شماره (۱) همکاری لازم در زمینه تولید و عرضه کالا وجود دارد.

از جمع کل نوزده کارمند این مرکز هفت نفر ناشنوا هستند.

در این مرکز نیز علاوه بر ناهار رایگان و غذای ساعت ده صبح با تشخیص بخش مددکاری مبلغی به عنوان هزینه تحصیلی پرداخت می‌شود و مددجویان تحت مراقبت‌های لازم بهداشتی هستند.

غرفه ناشنوایان

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان است و در سال ۱۳۵۴ در طبقه دوم فروشگاه مرکزی سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا تأسیس شد.

سازمان رفاه ناشنوایان با جلب همکاری مدیرعامل سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا موفق شد که غرفه‌ای در فروشگاه مرکزی آن سازمان برای غرفه مصنوعات خود ایجاد کند. در این غرفه مصنوعات دو آموزشگاه حرفه‌ای تهران و کارگاه حمایت شده مشهد به فروش می‌رسد. از آغاز تشکیل در همان هفت ماه اول جمع فروش در این غرفه بالغ بر (۸۵۰۰۰۰) ریال بوده است.

علاوه بر کارگاه‌های حمایت شده و مرکزی‌های آموزش حرفه‌ای که مستقیم زیر نظر سازمان رفاه ناشنوایان اداره می‌شود گروهی از ناشنوایان برای آموزش حرفه‌هایی که سازمان فعلاً قادر به تعلیم آنها نیست به بخش‌های حرفه‌آموزی و آموزش کشاورزی وابسته به انجمن توان‌بخشی معرفی می‌شوند.

در نیمه دوم سال ۱۳۵۰ و سال ۱۳۵۱ که سازمان رفاه ناشنوایان هنوز آموزشگاه حرفه‌ای یا کارگاه حمایت شده دایر نکرده بود جمعاً ۸۰ نفر ناشنوا برای کارآموزی به کارگاه کورس معرفی کرد. این عده که اکثر ناشنوایان با سواد بودند که پس از پایان تحصیل سال‌ها به علت نداشتن حرفه‌ای در شهر سرگردان بودند با موفقیت تمام دوره‌های حرفه‌ای کارگاه کورس را تمام کردند و جذب بازار کار شدند.

در سال ۱۳۵۲ پانزده نفر و در سال ۱۳۵۳ پانزده نفر و تا آخر دی‌ماه ۱۳۵۴ یازده نفر از ناشنوایان باسواد برای گذراندن دوره‌های سوار کردن رادیو و تلویزیون و جوشکاری و تراشکاری به کارگاه

چون کلاس‌های درس بزرگسالان در خود مرکز حرفه‌ای قرار دارد ناشنوایان گروه دوم در سال اول فرصت کافی دارند که به طور غیر مستقیم با حرفه‌های مختلف آشنا شوند و ارزشیابان و راهنمایان نیز، با فرصت کافی و آگاهی کامل از استعداد این شاگردان بتوانند رشته مناسبی را برای آموزش آنان در نظر گیرند.

کارباب موظف است که با ایجاد تماس با مدیران کارخانه‌های و مؤسسه‌های مختلف برای کسانی که آماده کار شده‌اند کار مناسبی بیابد و پس از اشتغال مددجو نیز پیگیری کند تا هم کارفرما و هم همکاران شنوای او این همکار تازه را بپذیرند و هم مددجو خود را با شرایط جدید کار و زندگی وفق دهد.

در کارگاه‌های این آموزشگاه وسایل مورد نیاز کارگاه‌های مختلف مراکز حرفه‌ای و اداره مرکزی ساخته می‌شود و همچنین مقداری از مصنوعات آن در غرفه ناشنوایان که در فروشگاه مرکزی سازمان تعاون و مصرف شهر و روستا قرار دارد به فروش می‌رسد. در این آموزشگاه کوشش می‌شود که از استاد کاران یا کمک مربیان ناشنوا استفاده شود. چنانکه از جمع کل چهل کارمند آن دوازده نفر ناشنوا هستند.

در این مرکز هشت کارگاه وجود دارد که در آنها پسران و دختران ناشنوا سرگرم آموختن حرفه هستند.

به مددجویان این مرکز علاوه بر ناهار که به طور رایگان داده می‌شود با تشخیص بخش مددکاری مبلغی نیز به عنوان هزینه تحصیلی پرداخت می‌شود. با توجه به اهمیت سلامت جسم مددجویان یک نفر پزشک امراض داخلی و یک نفر پزشک متخصص چشم هفته‌ای یک بار به مرکز حرفه‌ای رجوع می‌کنند و سلامت یک‌یک آنان را مورد رسیدگی قرار می‌دهند و کسانی را که لازم باشد برای مداوا به مراکز بهداشتی معرفی می‌کنند.

آموزشگاه حرفه‌ای شماره (۲)

این مرکز وابسته به سازمان ملی رفاه ناشنوایان است و در ۱۳۵۳ در تهران، خیابان کاخ شمالی شماره ۳۷۳. تأسیس شد.

با توجه به افزایش شماره کارآموزان، سازمان رفاه ناشنوایان در خردادماه سال ۱۳۵۳ خانه‌ای در خیابان کاخ اجاره کرد و چند کارگاه خود را که قبلاً در آموزشگاه حرفه‌ای شماره (۱) بودند به محل جدید منتقل کرد. در این مرکز نیز دختران و پسران جوان برای آموزش حرفه‌های مختلف پذیرفته می‌شوند. چون نوع کار این کارگاه‌ها طوری است که احتیاج چندانی به سواد و زبان ندارد، آن دسته از ناشنوایان که به علت چند نقصی بودن نمی‌توانند سوادآموزی کنند یا